خبرها

توصیه کولایی درباره شوراها

ایسنا: «الهه کولایی» معاون دبیرکل جبهه مشارکت مجلس توصیه کرد که در بررسی لایحه اصلاح قانون شوراها صلاحیت‌ها و اختیارات شوراها را افزایش دهد تا این نهاد بتواند نقش تکمیل کننده و یاری دهنده خود را به درستی ایفا کند. وی گفت: «شوراها در کنار مجلس شورای اسلامی ساختارهایی هستند که با به‌عهده گرفتن بخش‌هایی از وظایف مربوط به اداره شهرها، مدیریت مسائل گوناگون شهری را به عهده می‌گیرند. آنها در کنار نمایندگان مجلس می‌توانند سهم بایسته‌ای را در رفع نیازهای مردم و ایجاد فرصتی مناسب برای مجلس شورای اسلامی در جهت پرداختن به مسائل کلان ملی ایفا کنند.»

وضعیت نهادهای مدنی

ایلنا: «حبیب‌الله پیمان» گفت: در جوامع مدرن و جمهوری – که در انقلاب اسلامی ایران به رسمیت شناخته شد ـ میان دولت و جامعه، نهادهای مدنی، شوراها، انجمن‌های صنفی و... میانجی هستند و اراده عمومی و خرد جمعی بر سیاست‌های دولت نظارت می‌کند. این در حالی است که زمزمه کاهش اختیارات شوراها و تبدیل شدن آن به نهادی بی‌محتوا شنیده می‌شود و فشارها بر نهادهای مدنی مانند اتحادیه‌های صنفی کارگری، انجمن‌های دانشجویی و حتی نشر کتاب افزایش یافته است.

تاکید جامعه اسلامی مهندسین بر افزایش اختیارات شوراها

ایلنا: اعضای شورای مرکزی جامعه اسلامی مهندسین در جلسه سه‌شنبه شب شورای مرکزی خود با بررسی لایحه اصلاح قانون شوراها، بر ضرورت افزایش اختیارات این نهاد تاکید کردند. «غلامحسین امیری» مسئول واحد تشکیلات این تشکل در این باره گفت: «معتقدیم به جای کاهش اختیارات شوراها باید این اختیارات تکمیل و ضعف‌ها و آسیب‌های قانونی آن رفع شود تا شوراها به عنوان نهادهای مدنی بتوانند تاثیر خود را در جامعه داشته باشند. ما کاهش یا افزایش کمی شوراها را ضروری نمی‌دانیم و معتقدیم اگر همین تعداد که در شوراها عضو هستند، درست کار کنند، کفایت می‌کند و نیازی به افزایش تعداد شوراها نخواهد بود.» وی درخصوص تغییر مرجع نظارت بر انتخابات شوراها نیز گفت: «اعضای شورای مرکزی در حال بررسی و کار کارشناسی بر روی این مسئله هستند که به‌زودی نتیجه آن را اعلام خواهیم کرد.»

دلیل مسئله‌ساز شدن یک کاریکاتور

ایسنا: «کریم ارغنده‌پور» عضو شورای مرکزی جبهه مشارکت سه‌شنبه شب در نشست حوزه شمال تهران این حزب با تاکید بر اینکه «باید امروز روزنامه‌نگاری صلح را اشاعه دهیم» به ویژگی‌های روزنامه‌نگاری جنگ و روزنامه‌نگاری صلح پرداخت و گفت: «تمرکز بر خطاها و گناهان از ویژگی‌های روزنامه‌نگاری جنگ است که با این ادبیات آشنا هستیم، در حالی که روزنامه‌نگاری صلح بر علت‌یابی و تجزیه تمرکز دارد. همچنین روزنامه‌نگاری جنگ بر شمردن کشته‌شدگان در جنگ تمرکز می‌کند، در حالی که روزنامه‌نگاری صلح حقیقت‌مدار است و کاری ندارد که اعلام خبر به نفع چه کسی است. روزنامه‌نگاری جنگ، تبلیغات‌مدار است در حالی که روزنامه‌نگاری صلح حقیقت‌مدار است و همچنین مردم‌دار. اما روزنامه‌نگاری جنگ نخبه‌مدار و خواص‌مدار است. در روزنامه‌نگاری صلح، تعامل‌گرایی و قادرسازی وجود دارد، در حالی که روزنامه‌نگاری جنگ ناظر و تحت فرماندهی کار می‌کند. روزنامه‌نگاری صلح غیروابسته است، اما هنوز نسبت به پاره‌ای از مسائل داخلی وابستگی دارد، در حالی که روزنامه‌نگاری جنگ نسبت به مسائل تحت پوشش غیروابسته است.» وی در پاسخ به پرسشی درباره توقیف روزنامه «ایران» گفت: «از توقیف این روزنامه متاسفم. مسئله قومیت‌ها مسئله اجتماعی است و موضوع دیرینی است که با آن در ارتباط مستقیم است. در قومیت‌ها تصویری وجود دارد که در آن احساس تحقیر، تبعیض و عقب نگه داشته شدن مشاهده می‌شود، در حالی که این گونه نیست. اگرچه این کاریکاتور در اصل چنین مفهومی را نمی‌رساند، اما عرصه ایران عرصه آماده‌ای است. اگر به قومیت‌ها نگاه تحریکی و امنیتی شود، اوضاع بدتر خواهد شد. بازداشت روزنامه‌نگاران و بستن این روزنامه مسکن است، اما راه‌حل مسئله نیست. مسئله اصلی همان سه اصل (احساس تحقیر، تبعیض و عقب نگه‌داشته شدن) مذکور است که باید از بین برود.»

مسائل آذربایجان و «ایران»

محمد نوری*

۱ ـ سه شهر نامی آذربایجان هر کدام نمادهای گرانسنگی از گوهر مدارا و همزیستی را در قلب خویش جای داده‌اند. نمادهایی که هر سیاح و گردشگری را مجذوب دامن فراخ تمدن ایرانی می‌کند. اردبیل، شهر شیعی ایران، در جوار بقعه مرشد و مرجع صفوی‌ها (شیخ صفی) به‌وجود شهر سنی‌نشین «عنبران» آراسته است. تبریز در جنب ده‌ها یادگار مشروطیت به مقبره‌الشعرای خود می‌بالد که ۲۰۰ شاعر نامور از طوایف مختلف ایران را در آغوش گرفته است و ارومیه در حوالی مناره‌های مساجد مسلمین به همنشینی با معابر طایفه مسیحیان و کلیمیان افتخار می‌کند که سالیان طولانی این شهر را به مرکز همزیستی و تعامل ادیان و اقلیت‌ها تبدیل کرده است. بر این سه مثال تابناک مورخین، بی‌شک امروز عالمان جامعه‌شناسی که درگیر تحلیل روابط اقوام و طوایف جامعه ایرانی هستند مثال‌ها و شواهد تازه‌ای خواهند افزود و نگاه‌های کنجکاو را به سمت مراکز و نهادهای جدیدی چون بازار، دانشگاه، صنعت و ادارات خواهند برد که در آنها عمیق‌ترین و مدرن‌ترین سنت‌های همزیستی و هم‌پذیری اقوام ایرانی به ویژه دو قوم فارس‌ها و آذری‌ها جریان دارد. بر این مبنا است که اصحاب علم‌الاجتماع سخت معتقدند که مناسبات دو قوم بزرگ ایرانی، فارس‌ها و آذری‌ها، مرتبه فراتری از ادغام و تجانس را گذرانده‌اند، مرحله‌ای که در آن حلقه‌های پیوند، منحصر و محدود به عناصر خاک و خون و سرزمین مشترک نیست بلکه دو طایفه اندیشه و نگاه واحد به جهان و زندگی پیدا کرده‌اند. از این منظر اگر در حوادث نواحی آذربایجان نگریسته شود وقایع روزهای اخیر، ماهیتی متفاوت از نزاع‌های مرسوم قومیت‌ها دارد و روایت درست وقایع اخیر این خواهد بود که اعتراض و ناخرسندی هموطنان آذری را «تضاد» و «تقابل» دو قوم ننامیم که یک سوءتفاهم و «ذهنیت منفی» است. در شمار «شکاف» و بحران‌های بنیادین نبینیم، عارضه و «آفت اجتماعی» است که باید با عینک آسیب‌شناسی و منطق پیشگیری به رفع و علاج آن اقدام کرد.

۲ ـ روزنامه ایران که کاریکاتور نشریه آدینه‌اش اسباب رنجش آذری‌ها شد عمارتی است که در سرشت و سرگذشت خویش چون ولایات آذربایجان، نمادهای چشمگیری از تعامل دارد. در میان موسسین و در حلقه افرادی که خشت اول این عمارت را در دولت سازندگی گذاشتند نام دو آذری و دو پیر پارسی‌گوی ـ محمد بلوری و حسین الهامی ـ ثبت است. نخستین مدیر روزنامه که خود برخاسته از یکی از اقوام ایرانی بود از آن رو نام «ایران» را بر پیشانی این جریده نشاند که زبان و صدای همه ملیت‌ها و قومیت‌ها باشد. خاطره و حس دل‌انگیز تولد روزنامه‌ای که تعلق به همه ایران دارد هنوز در ذهن‌ها جاری است، چینشی که آن روز از نویسندگان اقوام گوناگون برای ساختن تحریریه «ایران» صورت گرفت هنوز پس از ۱۲ سال ترکیب خویش را حفظ کرده است و صدالبته که در این ترکیب، نویسندگان پیر و جوان آذری، سهمی غالب داشته‌اند. تولد روزنامه ایران به فاصله اندکی پس از تاسیس «همشهری» برای ما روزنامه‌نگاران شهرستانی، یک اتفاق بود و شاید برای نخستین بار بود که در سیمای این زوج رسانه‌های رنگارنگ، هموطنان نمودهای تکثر فرهنگ و اقوام ایرانی را می‌دیدند. از همین روست که حوادث ناشی از رنجش هموطنان آذری در میان مدیران و نویسندگان دیروز و امروز «ایران» بازتابی غیرقابل وصف دارد، حیرت و اسف آنها صدچندان است چون در خیال هیچ عضو خانواده غالباً آذری‌زبان «ایران» نمی‌آمد که روزی در مظان اتهام اهانت به اقوام قرار گیرند. لذا بر همه ما فرض است که شهادت سرمقاله‌نویس شرق را به همه خاطرهای آزرده آذری‌ها برسانیم که خطای یک همکار کاریکاتوریست در عصر و نسل امروز مطبوعات، یک استثنا و اشتباهی نادر است. نه سابقه و زمینه‌ای دارد و نه دنباله و عقبه‌ای.

۳- پای‌بست خانه تمدنی ما، ایران، به‌ویژه در خطوط آذری‌نشین چنان نیست که به تلنگر و تندبادی بلرزد. حوادث اخیر آذربایجان در ذهن و دل برخی خوف پاگیری جریان‌های قوم‌گرا را دامن زده اما اجماع نظر اندیشوران بر این است که شوونیسم یا نژادگرایی افراطی، در این مرز و بوم بخت و امکان ظهور ندارد. بنا به چندین دلیل متقن، برتری‌جویی قومی در میان دو ملت بزرگ آذری و فارس، اندیشه‌ای محتوم به شکست است که یک دلیل قاطع آن، تلخی تجربه‌ای است که فارس‌ها و آذری‌ها از دو موج خسارت‌بار شوونیسم چشیده‌اند: تجربه پان‌ایرانیسم عصر پهلوی‌ها و پان‌ترکیسم دوره پیشه‌وری‌ها. پنجاه سال پس از حکومت نخستین موج‌های نژادگرایی، امروزه پدیده شوونیسم از سوی قاطبه نخبگان آذری و فارس، همپای مارکسیسم و ایسم‌های بی‌بنیان مذمت می‌شود و صاحبان دیدگاه‌های قوم‌گرایانه به چشم اینان، قهرمانان پوشالی بیش نیستند. از حلقه نخبگان که بگذریم، نزد عامه مردم، سکه اعتبار شوونیسم بیش از این تنزل کرده است و در این عرصه توسط رقیب نیرومندی به نام مذهب به حاشیه رانده شده است. قدرت هژمونیک مذهب در نواحی آذری‌نشین چنان است که گرایش تجزیه و تفکیک تاکنون مجال و فرصت ابراز وجود نیافته است. بنابراین تجربه‌های تاریخ و نیروی مذهب دو بال توانایی بوده‌اند که ایرانی‌ها را در عصر جولان اندیشه‌های نژادی یاری رساندند. بزرگترین آزمون ایرانی‌ها در این وادی، هجوم موج‌های نژادگرایی به مرزهای شمالی در فردای فروپاشی شوروی بود. پس‌لرزه‌های واقعی که بزرگترین رستاخیز قومی نامیده شد چنان بود که گسل‌های تمدنی ـ فرهنگی ایران را جابه‌جا کرد اما جمهوری اسلامی ایران به آسانی از گرداب جنبش‌های قومی آن سوی ارس و آشوب‌های جبهه خلق عبور کرد، چون در بستر همزیستی فارس‌ها و آذری‌ها، گرایشات قومی رنگ باختند. آرزوی بزرگ پیشوایان پان‌ترکیست‌ها که عصر جدید را عصر فرزندان آتاتورک خوانده بودند ناکام ماند وقتی که متحدان روس‌ها با تغییر لهجه در حاکمیت جمهوری‌های ترک‌تبار باقی ماندند و قیام‌هایی که با دینار و دلار ارسالی آنکارا آغاز شده بود یکی پس از دیگری منقرض شدند. بر این مبنا باید فاصله‌ای فاحش قائل شد میان حوادث اخیر آذربایجان با وقایع قومی که دهه ۹۰ سرزمین‌های ماوراءالنهر را فراگرفت. حتی اگر در آهنگ حوادث آذربایجان ما، محافلی در آنکارا و باکو آرزوهای بربادرفته خود را زمزمه کنند اما به ضرس قاطع می‌توان گفت که آذری‌های ایران پشت به باکو و آنکارا حرکت اعتراضی خود را انجام دادند. دلیل این رویگردانی نیز روشن است، مادرشهر پان‌ترکیسم خود در بحران هویت غوطه‌ور است؛ بحرانی که جمهوری آذربایجان و جمهوری ترکیه را در نقطه تلاقی شرق و غرب به پاره‌های سرگردان جامعه بین‌الملل بدل کرده است.

۴- پس‌زمینه حوادث اخیر، یک سوءتفاهم و تصور بدبینانه است. تصوری که در گذر ایام و تعطیلی باب گفت‌وگوی نخبگان اقوام رنگ تصدیق به خود گرفته است. این تصور دو سویه دارد، سویه‌ای سیاسی که می‌پندارد سهم مناطق آذری‌نشین در پروسه توزیع منابع ثروت و قدرت به کفایت ادا نشده است و سویه‌ای فرهنگی که در آن هموطنان آذری از رواج لودگی در لطیفه‌ها و ادبیات عامه رنجورند. هر دو قسم از مطالبات هموطنان آذری با واکنش مثبت از سوی طیف نخبگان حکومتی و دانشگاهی روبه‌رو شد. نخبگان و روشنفکران بر پیرایش زبان و گفتار عامه مردم از نمادها و نشانه‌های اهانت به اقوام تاکید ورزیده‌اند و حکومتگران با افزودن این قید که حق بسیاری از استان‌ها چون مناطق آذری‌نشین که از کیک قدرت ملی ادا نشده نوید تعدیل چرخه توزیع امکانات را داده‌اند. با وجود این، نه نخبگان و نه حکومتگران، در این مسیر هیچ‌کدام گام عملی چندانی برنداشته‌اند. بنابراین در وقایع اخیر نواحی آذربایجان اصحاب سیاست و اهل فرهنگ به یک اندازه سزاوار نقد و نکوهش هستند. نخبگان فرهنگ و اندیشه اکنون باید اقرار کنند که در پروسه اصلاح‌گری، عرصه مهم قومیت را فراموش کردند. درس روشن وقایع اخیر برای نیروهای پیشاهنگ جامعه این است که راهبرد گفت‌وگو به عنوان نسخه درمان آسیب‌های جامعه ایرانی باید پیش از رفتن به سمت احزاب و دولت و جامعه بین‌المللی در میان قومیت‌های این سرزمین جاری می‌شد. رفتارها و کنش‌های آمیخته به نابردباری و خشونت گروه‌هایی از اقوام آذری آشکار ساخت که تعلل و اهمال در گفت‌وگو چه میزان آستانه تحمل افراد را پائین نگه داشته و رغبت به شنیدن و گفتن را از میان برده است. روشن شد که نخبگان جامعه در مطالعه راه‌های انسجام و ثبات جامعه نباید حتی از لغزش‌های زبان و معایب محاورات عمومی غفلت کنند. اما عمق خسارت ناشی از غیبت و غفلت نخبگان از جوامع قومیت‌نشین آنجا نمایان شد که مطالبات و حرف توده آذری‌ها در غبار شعارهای جمع اندک افراطیون و فرصت‌طلبان گم شد و افرادی در جایگاه بیان‌کننده و سخنگوی مطالبات این مناطق ایستادند که تفکری جدابافته از این پاره سرزمین ایران دارند و عاقبت نیز هم‌اینان به اجتماع مسالمت‌آمیز آذری‌ها رنگ اغتشاش پاشیدند.

تخریبه روزنامه ایران پس از توقیف. عکس: رضا معطریان، شرق

۵- حوادث آذربایجان بهره‌ای وافر از ابزار و امکانات دنیای رسانه‌ها برد. می‌شد در پرتو فعل و انفعالات آن ده روز دریافت که فضای مناطق پیرامونی ایران چه میزان در تسخیر ماهواره‌ها است و برخی نیروهای اجتماعی، چگونه ابزار اینترنت و ای‌میل و SMS را به خدمت می‌گیرند. وقایع اخیر دریچه‌ای جدید به روی ما اهل رسانه گشود و متولیان حوزه سیاست و عرصه افکار عمومی را با واقعیات کاملاً بدیع آشنا کرد. اگر درس اول حوادث اخیر برای اهل رسانه این باشد که باب گفت‌وگوی نخبگان اقوام را باز کنند و به پیرایش و پالایش ذهن و زبان عامه از واژگان و تصورات هجوآلود مبادرت کنند، درس مهم دیگر این است که از این پس لاجرم باید از تمرکز ملال‌آور بر اخبار و امور تهران و جهان دست کشند و سر در هزارتوی مسائل و موضوعات اقوام و مناطق ایران بگذارند. ما مطبوعات در این قضایا مقصریم که چون حوزه اقتصاد و سیاست کشور به آفت پایتخت‌نشینی مبتلا گشته‌ایم و همچون سیاستمداران و تجار و سرمایه‌گذاران‌مان ایران پهناور را در شعاع قلم و نگاه خویش ندیده‌ایم. مطبوعات برای بازگشت به عرصه پیچیده اقوام ناگزیر از بازنگری هستند. برای این کار آنها ناگزیرند صفحات جدید بگشایند و ساختارهای تازه کارشناسی فراهم آورند. فهمیدیم که این عیب و آسیب در ساختار مطبوعات ما چقدر فاجعه‌بار است که صفحه و سرویس شهرستان‌ها هنوز رنگی از محرومیت و فقر مناطق حاشیه‌نشین بر چهره دارد و تحریریه مطبوعات ایران هنوز در کنار ده‌ها خبرنگار و کارشناس حوزه‌های داخل و خارج فاقد تیم کارشناسی مناطق و اقوام است. همه موضوعات و رویدادها سهم خود را از ضمیمه و ویژه‌نامه مطبوعات برده‌اند الا موضوعات اقوام و ملیت‌های ایرانی. به یقین موسسین «ایران» نیز اکنون حسرت می‌برند که کاشکی در کنار نشریات عربی، انگلیسی و بریل، صفحاتی نیز به زبان اقوام ایرانی منتشر می‌شد.

۶- وقایع آذربایجان هرچه بود، گناه آن تماماً به پای یک روزنامه نوشته شد. دستگاه‌ها و نهادهای مختلف بسیار آسان از ماجرا عبور کردند آن هم با گذاشتن بار سهمگین غائله بر دوش «ایران». حقایق و گفتنی‌ها درباره کاریکاتور مناقشه‌انگیز را باید به اهلش سپرد که قاطبه همشهریان ناراضی و مسئولان امر فقط تصویر واژگون این اثر و خالق آن را شنیده و دیده‌اند. اکنون باید به این مسئله مبرم اندیشید که چرا کانون‌ها و مبادی تفاهم و مدارا در شهرهای آذری‌نشین به میدان تضاد تبدیل شدند، غفلت و اهمال کدام نهادها و نیروها باعث شد برخی محافل ادبی و رسانه‌ای در این مناطق به تفکرات قومی اقبال کنند. این انتظار بی‌جا نیست که در فصل آسیب‌شناسی حوادث متولیان و مدیران امور با زبانی صریح ضعف‌ها را بازگویند. از این سئوال که بگذریم هیچ‌کس نقش حلقه‌ای مفقوده را در وقایع اخیر انکار نمی‌کند. شبکه‌ای ارتباطی که راه بر هر گونه گفت و شنود میان ناراضیان و دولتمردان بست و اجتماعات پراکنده دانشجویی را به اغتشاش خیابانی تبدیل کرد. به هر تقدیر اکنون که گرد و غبار ماجرا فرو نشسته است هیچ‌چیز به اندازه بیان صریح واقعیات گره از مسائل این منطقه باز نخواهد گشود. وقایع آذربایجان ابعادی چندگانه داشت و به این اعتبار، موضوعی مشترک در حیطه سه دستگاه اطلاعات، کشور و فرهنگ بود. از این سه نهاد وزیران ارشاد و کشور در نخستین روز وقوع ناآرامی داوری خود را ابراز کردند و هر دو، علت و منشاء ماجرا را کاریکاتور «ایران» خواندند. چنین قضاوتی از بحران، به تدریج نقش «نظرمبنا» به خود گرفت و مجال طرح آرا و نظرات دیگر از دست رفت. محافل و مجامع رسمی نیز کار بی‌دردسر را در این دیدند که فقط زبان به تحسین تاریخ و ملت آذربایجان بگشایند و رسم تخطئه روزنامه ایران پیش گیرند. در این فاصله سرمقاله‌های کیهان و شرق را که هر کدام حاوی سخنی خلاف‌عادت زمان بود باید یک مستثنی دید. به هر حال پرونده حوادث آذربایجان در حال بایگانی شدن است. در حالی که پرونده تنها متهم و قربانی این ماجرا هنوز مفتوح مانده است. شاید برای جمع پریشان خانواده «ایران» در این روزهای سخت خواسته‌ای بالاتر از این نمی‌تواند بود که چهره حقایقی که در غبار حوادث اخیر گم شد آشکار شود و آنها که راه بدنام‌سازی رسانه‌ای ملی در نزد اقوام پیش گرفتند راه انصاف و مروت پیش گیرند. بدترین فصل این تراژدی برای اهالی «ایران» آنجا بود که جمع آشنایان این رسانه در حلقه دولتیان و مجلسیان، مجال نه تنها تصحیح خطا بلکه فرصت توضیح واقعیات را از «ایران» گرفتند.

***دبیر گروه سیاسی روزنامه ایران**

و همچنان دموکراسی

مرتضی کاظمیان

حدود ۲۵ قرن است که دموکراسی پیوسته مورد بحث قرار گرفته و اینجا- در ایران- حداقل یک سده است که اندر فواید و مزایای دموکراسی به اشکال و با ادبیات گوناگون گفت‌وگو شده است. اینک و با حوادث و ناآرامی‌های اخیر در غرب کشور، به نظر می‌رسد که تبیین ضرورت و اهمیت آن ملموس‌تر و قابل فهم‌تر باشد. پیش از بیان اصل قضیه، ذکر چند نکته به‌عنوان مقدمه و به بهانه وقایع قابل تأمل اخیر ضروری می‌نماید:

الف- بحثی در وهن‌آمیز بودن طرح «ایران جمعه» نیست. هرچند به‌عنوان یک روزنامه‌نگار، ترسیم و انتشار آن را بیشتر ناشی از یک اشتباه سهوی و کم‌دقتی (گاف) مطبوعاتی و عدم توجه دقیق به حساسیت‌های موجود در جامعه، به ویژه حساسیت‌ها بر مطبوعات، ارزیابی می‌کنم.

ب- به همان میزان که ناراحتی و خشم و اعتراض‌های اولیه نسبت به طرح و موضوع ناپسند، بدیهی و طبیعی و قابل فهم به نظر می‌رسد، ادامه یافتن آن- به ویژه در اشکال آکنده از خشونتی چون حمله به بانک‌ها و مراکز و نهادهای دولتی و خصوصی و به آتش کشیدن آنها و نیز سر دادن برخی شعارهای توهین‌آمیز، ضدملی و مغایر و منافی تمامیت ارضی کشور- غیرقابل دفاع و مذموم است.

پ- بی‌شک باید حساب اعتراض‌های طبیعی و معمولی- و حتی برخی خشونت‌های ناخودآگاه و رفتارهای غریزی، خشن و غیرقابل قبول- را از حساب «اعتراض‌های برنامه‌ریزی شده در آن سوی مرزها» جدا کرد. کدام آگاه و منصفی، سوءاستفاده جریان‌های «پان‌ترکیست» و آنها که در پی گسترش «جمهوری آذربایجان» و تجزیه ایران‌اند، آن هم به بهانه انتشار یک طرح، تردید می‌کند؟ کافی است به نحوه پوشش اخبار حوادث اخیر، دامن زدن رسانه‌های ایران ستیز به هیجانات و اعتراضات و تهییج و تحریک برخی شهروندان به «آتش کشیدن منافع ملی» - به بهانه تامین و تحقق «حقوق قومی»- و به خاطر «یک دستمال»، نگاهی بیفکنیم...

ت- حفظ تمامیت ارضی و استقلال کشور از جمله بدیهی‌ترین و اصلی‌ترین وظایف هر حکومتی است، هرگونه اغماض، سستی و سهل‌انگاری- در ابعاد گوناگون- فاقد توجیه است؛ اما... اما اینکه چگونه می‌توان تمامیت ارضی و استقلال یک کشور و منافع ملی را به بهترین نحو، حفظ و تامین کرد، همان بحث محوری است که به اجمال در ادامه بیان می‌شود. هیچ نظام دموکراتیکی، کعبه آمال و محقق‌کننده همه آرمان‌ها و تضمین‌کننده صلح، خوشبختی، رشد، توسعه، رونق، تعقل و... نیست، اما به‌رغم همه کمبودها، هنوز نظام‌های دموکراتیک بی‌بدیل‌ترین شکل عملی حکومت هستند. اندیشمندان حوزه علوم سیاسی از جمله ویژگی‌هایی را که باعث می‌شود نتوان بر دموکراسی و یک حکومت دموکراتیک چشم پوشید، به موارد زیر اشاره کرده‌اند: تضمین قابل توجه حقوق اساسی شهروندان، تامین آزادی‌های فردی و عمومی، فراهم آوردن امکان حراست از منافع اساسی شهروندان، ایجاد شرایط برای مردم تا سرنوشت خود را رقم زنند، تامین میزان مطلوبی از برابری سیاسی، رونق و توسعه محتمل‌تر، صلح‌طلب بودن و... تحقق دموکراسی- و ویژگی‌های یاد شده- البته نیازمند نهادهایی چون مقامات منتخب، انتخابات آزاد و منصفانه و سالم، آزادی بیان و عقیده، آزادی اطلاع‌رسانی، تشکیلات و نهادهای مستقل است. بدیهی است تکوین و تحقق و تداوم دموکراسی در برخی شرایط سهل‌تر، تضمین‌شده‌تر و ماندگارتر است: کشورهایی که فرهنگ و باورهای سیاسی دموکراتیک در آنها ریشه‌دار و وسیع است، کشورهایی که کمتر در معرض مداخله کشور دیگری قرار دارند، وجود اقتصاد غیروابسته به حکومت و توان اقتصادی حوزه جامعه مدنی و فقدان تنوع و تکثر در میان خرده فرهنگ‌های یک کشور، در همین راستا قابل اشاره‌اند. یک نمونه شگفت‌انگیز از وجود دموکراسی- و تحقق مزایا و برکات آن- هندوستان است. حفظ و تداوم بلندمدت نهادهای دموکراتیک در کشوری با بیش از یک میلیارد نفر جمعیت، آن هم با تنوع و گوناگونی زبان، کاست، طبقه، مذهب، قومیت و... بسیار بعید به نظر می‌رسد، اما این (دموکراسی در هندوستان) واقعیتی است که ده‌ها خود را تثبیت و عرضه کرده است. دشواری‌ها، موانع و مشکلات تاسیس و فعالیت‌های نهادهای مدنی مستقل، سازمان‌های غیردولتی، مطبوعات و نشریات در کشور و به ویژه در مناطق یاد شده و... جملگی ما را به وضعی رهنمون می‌سازد که البته با شاخصه‌های ایجاد و تحقق و تداوم یک شرایط دموکراتیک فاصله دارد بدیهی است که از چنین وضعی، تنها شهروندان- و حتی طیفی از شهروندان- متضرر نخواهند شد، آسیب‌های ناشی از شکاف ملت- دولت به اشکال مختلف متوجه حکومت و بلوک قدرت نیز خواهد شد و در نهایت این «منافع ملی» است که بیشترین زیان را متحمل خواهد شد. انتقادها، گلایه‌ها، نارضایتی‌ها و خشم‌ها خود را به کوچک‌ترین بهانه- و به بدترین شیوه‌ها- عریان می‌کند و به رخ می‌کشد. و اینجا است که خدشه‌ها و هزینه‌ها نه فقط متوجه بخشی از جامعه یا حتی بلوک قدرت که متوجه یکایک ایرانیان و منافع ملی خواهد شد. به دیگر سخن حضور احزاب و نهادهای مدنی مستقل و فعالیت آزادانه و منتقدانه مطبوعات مستقل- به مثابه رکن چهارم دموکراسی- در درازمدت نه تنها منجر به کاهش شکاف جامعه مدنی و بلوک قدرت می‌شود، بلکه به مثابه «یک واسطه»، در چنین مقاطعی به هدایت صحیح و کنترل اعتراض‌ها تا حصول به نتیجه مورد رضایت هر دو سو و نیز کاهش هر چه بیشتر هزینه‌هایی می‌پردازد که متوجه هر دو طرف (جامعه مدنی و بلوک قدرت) است، هزینه‌هایی که دامن همه- و منافع ملی- را خواهد گرفت. از این رو سخن گفتن از دموکراسی و ضرورت، اهمیت و ویژگی‌های آن بازی با واژه‌ها نیست؛ زیستن با مفهوم و شیوه‌ای است که زندگی را انسانی‌تر می‌کند.

اطلاعیه ارزیابی و تشخیص صلاحیت سازندگان برجهای انتقال نیرو و سازه های فلزی پست

ازکلیه سازندگان برجهای انتقال نیرو و سازه های فلزی پست که در ارزیابی اولیه شرکت ننموده و مایل به ارزیابی و تشخیص صلاحیت شرکت توانیر می باشند ، در خواست می شود حداکثر ظرف مدت ۱۰ روز پس از درج آگهی ،اقدام به تحویل مدارک به سند یکای سازندگان تجهیزات برقی ، صنعتی نمایند.

تلفن تماس : ۸۸۶۳۳۴۹۴ و ۸۸۶۳۳۴۷۵

شرکت توانیر – دفتر استاندارد و کنترل کیفیت

خبرها

نتیجه انتخابات انجمن امیرکبیر

ایلنا: اعضای شورای مرکزی انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر انتخاب شدند. این انتخابات طی روزهای دوشنبه و سه‌شنبه هفته جاری برگزار شد که از ۲۷۲۴ رای ماخوذه، علی صابری ۱۴۲۰ رای و علی عزیزی ۱۳۸۳ رای، سمیه میراشه ۱۳۷۴ رای، علی قره‌گزلو ۱۲۴۴ رای، احسان منصوری ۱۲۱۹ رای، مهدی سعیدی‌پور ۹۲۶ رای و سهیل ضیایی با ۸۲۴ رای به عنوان اعضای اصلی و مصطفی غفوری با ۷۸۸ رای و عباس حکیم‌زاده با ۷۳۴ رای به عنوان اعضای علی‌البدل انتخاب شدند. این انتخابات از سوی هیات نظارت دانشگاه رد شده است.

اعتماد ملی: اپوزیسیون نیستیم

آفتاب: «محمود زمانی» تبیین‌کننده مانیفست انتخاباتی مهدی کروبی، در جلسه ویژه تاسیس دفتر حزب اعتماد ملی در یزد اعلام کرد: «ما اپوزیسیون نیستیم و حزب مرزبندی مشخصی با ساختارشکنان و نیز متحجران دارد.» خسروی از اعضای شورای مرکزی حزب اعتماد ملی نیز در این جلسه گفت: «حزب اعتماد ملی در انتخابات خبرگان و نیز شوراها بدون هیچ پیش‌شرطی و با جدیت شرکت خواهد کرد.»

وضعیت تشکیل حزب نواندیشان

ایلنا: «امیر محبیان» از اعضای موسس حزب نواندیشان ایران اسلامی با بیان اینکه «موجودیت حزب نواندیشان ایران اسلامی در اسفندماه ۸۴ به تصویب کمیسیون ماده ۱۰ احزاب رسیده است» گفت: اخیراً اساسنامه و مرامنامه حزب در هیات موسسین مورد بررسی دقیق قرار گرفت و اکنون در حال طی مراحل ساختار آفرینی و شکل‌دهی به شورای مرکزی حزب هستیم. براساس اساسنامه تصویب شده، شورای مرکزی از چهار عضو موسس و ۱۱ نفر عضو اصلی و پنج نفر عضو علی‌البدل تشکیل خواهد شد. اکنون موسسین در حال بررسی افراد واجد صلاحیت برای عضویت در شورای مرکزی حزب هستند و تاکنون بسیاری از چهره‌های شاخص و شناخته شده اصولگرا ضمن حمایت از تشکیل حزب، برای عضویت در شورای مرکزی اعلام آمادگی کرده‌اند.

دیدار جامعه مدرسین حوزه علمیه قم با مسئولان صدا و سیما

ایسنا: «سیدمحمد غروی» سخنگوی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم خبر داد: طی هفته گذشته در دیدار مسئولان صدا و سیما و کمیسیون فرهنگی جامعه مدرسین، برخی از معاونین و مسئولان شبکه‌های رسانه ملی به ارائه توضیحاتی از فعالیت‌های این رسانه پرداختند و اعضای جامعه مدرسین نیز دغدغه‌های خود را در ارتباط با عملکرد این رسانه و وظایف آن بیان کرده‌اند. در این جلسه، ضرغامی رئیس سازمان صدا و سیما شرکت نداشت. غروی با تاکید بر اینکه «این جلسه بسیار دوستانه بود» گفت: «ما در این جلسه تاکید کردیم که باید اصول شرعی در تهیه برنامه‌ها رعایت و اشکالات و ایرادات برطرف شود البته به نحوی که برنامه‌ها و تولیدات این رسانه برای نسل جوان نیز دارای جاذبه باشد. ما واقفیم که انجام این کار دشوار است و البته منتظریم که عملکرد آینده مسئولان سیما را در این ارتباط مشاهده کنیم.»

دوم خردادی‌ها پیام دوم خرداد را نفهمیدند

آفتاب: رئیس اداره سیاسی سپاه معتقد است دوم خردادی‌ها پیام دوم خرداد را درک نکرده‌اند. «یدالله جوانی» رئیس اداره سیاسی سپاه در شماره اخیر «صبح صادق» ارگان مطبوعاتی سپاه در یادداشتی با عنوان «آموزه‌های خرداد» نوشت: «انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری در دوم خرداد ۱۳۷۶ منشاء یکسری تحولات سیاسی فرهنگی در داخل کشور گردید. موضوعاتی چون جامعه مدنی، توسعه سیاسی و اصلاحات وارد ادبیات انقلاب اسلامی گشت و طرفداران این مباحث که به دنبال تغییر در ساختارهای سیاسی بودند، منتقدین و مخالفین خود را به عدم درک پیام دوم خرداد متهم می‌ساختند. رویکرد دینی مردم در سه انتخابات متوالی شوراهای دور دوم، مجلس هفتم و ریاست جمهوری دوره نهم از یک سو و عدم اقبال آنان نسبت به مدعیان اصلاح‌طلبی از دیگر سو نشان داد آن کسانی که پیام اصلی دوم خرداد را درک نکرده‌اند در واقع دوم خردادی‌ها هستند. دوم خرداد ۷۶ و حوادث پس از آن گویای این واقعیت است که برخی جریان‌های سیاسی تا چه حد از مسائل جامعه به دور هستند.»

زوایای ناشناخته امام

ایسنا: «مرضیه دباغ» قائم‌مقام جمعیت زنان جمهوری اسلامی ایران در جمع دانشجویان دانشگاه آزاد تبریز گفت: «هنوز بسیاری از زوایای زندگی شخصی حضرت امام خمینی(ره) ناشناخته مانده است. دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه وظیفه دارند در این‌باره پژوهش کنند و نسل دوم و سوم را آگاه سازند.» وی افزود: «امام(ره) هیچ‌وقت در مسائل ریز و درشت زندگی از خود بی‌تفاوتی نشان نداد و در رفتار و روش زندگی و حتی امر به معروف نیز ممتاز و دقیق عمل کرد.»

امروز مجمع عمومی جامعه زینب

ایلنا: هفتمین مجمع عمومی جامعه زینب(س) امروز با حضور نمایندگان اعضای این جامعه از سراسر کشور و تهران برگزار می‌شود. در این مجمع اعضای شورای مرکزی، هیات داوری و بازرسان انتخاب می‌شوند و استراتژی دوساله حزب تعیین خواهد شد. در مراسم افتتاحیه، حدادعادل رئیس مجلس سخنرانی خواهد کرد. در این نشست، یک خانم از مالزی به عنوان نماینده زنان کشورهای اسلامی و نیز میهمانانی از فلسطین، لبنان و عراق در مجمع حضور خواهند داشت.

بازداشت یک فعال سیاسی

**گروه